

خروج

از خیابان سئول

رسمی که شرکت ملی نفت را موتور پیشرفت می‌دهد
ایران خودرو را نماد فناوری
با روایت داستانی نمایشگاه تجهیزات آزمایشگاهی
ساخت ایران

با مقدمه: مهندس صابر میرزایی

۷	مقدمه؛ به قلم استاد گرانقدر مهندس صابر میرزایی
۱۷	یادداشت مؤلفین
	بخش اول
۲۱	داستان رویدادی که شگفتی اهالی فناوری را موجب شد
۲۴	فصل ۱- آغاز یک راه...
۲۵	سوغات فرنگ
۲۷	نو نهاد
۳۱	و اما تحریم ...
۳۹	فصل ۲- بزرگراه
۴۲	دورزدن ممنوع
۴۳	معاینه فنی
۴۴	به مقصد نزدیک می شوید
۵۱	فصل ۳- زیاران چشم یاری داشتیم ...
۵۴	وزارت علوم، تحقیقات و «فناوری!»
۵۸	اپوزسیون
۶۰	وزارت بهداشت و یک پرسش بی پاسخ
۶۵	فصل ۴- خرید «درخور»
۶۷	چندرغاز تومان
۷۰	انقلاب دوم
۷۱	بازار شیشه‌ای
۷۵	فصل ۵- خروج از خیابان سنول
۷۷	معمای کیفیت

۸۰

۸۱

پاشنه آشیل ذائقه سازی
خروج از خیابان سنول

بخش دوم

۸۵

۸۹

۸۹

۹۱

۹۷

۱۰۳

۱۰۷

۱۱۳

۱۱۵

۱۲۱

۱۲۵

۱۲۸

۱۳۱

۱۳۳

۱۳۸

رازی که شرکت ملی نفت را موتور پیشرفت می کند

فصل ۶- گسترش + مشروط + بازار

عرضه و تقاضا

لوازم بی خانمان

فصل ۷- دکل های گم شده

دکل گمشده یا دکل های گمشده!

سازندگان مطرود

فصل ۸- کدام دست فرمان؟

هیوندایی خوش دست

پیکان خوش نشین

مؤخره

امروز...

پیوست- مشق سیاست ورزی

۱- عقب ماندگی، صرفه تولید و باقی قضایا

۲- بازار بدلجام

❖ مقدمه: به قلم استاد گرانقدر مهندس صابر میرزایی^۱

تجارت خارجی مهم‌ترین چالش بین‌المللی طی چند قرن اخیر است. شیوه استعماری قدیم مبتنی بر اخذ امتیاز گمرکات و انحصارات تجاری بود. این رویه فرصت توسعه صنعتی را برای کشور استعمارگر فراهم می‌ساخت، در حالی که رقابت‌های ناعادلانه امکان رشد صنعتی را از سایر کشورها سلب می‌کرد؛ به طوری که کلونی‌های انگلیسی در آمریکای شمالی از این شرایط به ستوه آمدند و در نتیجه‌ی رفتار تبعیض‌آمیز انگلستان، اهالی آن کلونی‌ها دست به شورش زدند و شورش آن‌ها منجر به استقلال و تشکیل کشور ایالات متحده آمریکا شد.

شرایط ناعادلانه تجارت خارجی موجب شد که دو جنگ جهانی اتفاق بیفتد. جنگ برای کشورهای نوپای صنعتی، تبدیل به یک ضرورت شده بود؛ زیرا در صورتی که این کشورها قادر به صادرات محصولات و واردات

۱ - مهندس صابر میرزایی، با سابقه ۱۰ سال آزادگی در زندان‌های رژیم بعثی و بیش از ۳۰ سال حضور در حوزه‌های سیاستگذاری و عملیاتی فناوری و نوآوری، از صاحب‌نظران برجسته کشور در حوزه سیاستگذاری به شمار می‌روند.

مواد خام نمی‌شدند، توسعه صنعتی تداوم نمی‌یافت و آنها نیز به یک کشور عقب‌مانده تبدیل می‌شدند. از این رو آمریکا و ژاپن برای تصاحب چین به جان هم افتادند و جنگ اقیانوس آرام آغاز شد. در آن سو، آلمان هم به همسایگان حمله کرد و اروپا را در چنگال جنگ گرفتار کرد.

ایران از رقابت‌های استعماری به شدت آسیب دید و فرصت‌ها را در دوران‌های صفویه، افشار و زندیه برای پیشرفت از دست داد. ایران در دوران قاجار در مواجهه با غرب صنعتی بسیار ناتوان بود و مقهور غرب شد و با اعطای امتیازات گمرکی به انگلیس و سپس به روسیه، در عمل انحصار تجارت خارجی را به آن‌ها واگذار کرد. بدیهی است که با آن وضع، ایران فرصت را از دست داده بود و نمی‌توانست صنعتی شود. لذا قرن نوزدهم برای ملت ایران بسیار فلاکت‌بار بود؛ ولی در قرن بیستم با وجود آغاز دردناک و مصیبت‌بار اشغال کشور و قحطی بزرگ، اتفاقاتی افتاد که در سرنوشت ملت ایران تأثیر مثبت داشت.

انقلاب کمونیستی در روسیه و پیدا شدن منابع بی‌کران نفت در ایران، رویکرد انگلیس را نسبت به ایران تغییر داد؛ انگلیسی‌ها قبلاً در صدد تضعیف دولت مرکزی ایران بودند، ولی برای بهره‌برداری از منابع نفتی ضروری بود که در ایران امنیت و ثبات به وجود آید و همچنین برای مقابله با نفوذ و پیشروی کمونیست‌ها لازم بود که حکومت مرکزی ایران تقویت شود. در نهایت خاندان سلطنتی در ایران با هماهنگی دولت انگلستان تغییر کرد؛ از این رو دوران پایانی قاجار و دوران پس از آن، شرایط کشور با چند تغییر مثبت همراه شد.

هرچند که سهم ایران از درآمدهای نفتی ناچیز بود، ولی زمینه برای استقرار حکومت مرکزی قدرتمند و تقویت ارتش فراهم شد. آبادانی‌های ضروری همچون جاده و راه‌آهن و صنایع مصرفی همچون کارخانجات صنایع غذایی مثل آرد، روغن، قند، نوشابه، شکلات و امثالهم شکل گرفتند. این رویدادها امیدهایی را برای صنعتی شدن به وجود آورد، ولی متأسفانه ساختار صنعت در ایران به گونه‌ای شکل گرفته بود که تداوم پیشرفت صنعتی ممکن نبود و با اشباع بازار مصرف داخلی، پیشرفت صنعتی متوقف می‌شد. ضمن اینکه صنایع کشور موجب تشدید واردات و ایجاد وابستگی‌های جدید شدند؛ واردات از طریق ارز حاصل از صادرات نفت تأمین می‌شد؛ به طوری که صنعت بدون صادرات نفت و بدون واردات، متوقف می‌گشت.

بسیاری از صنایع در ایران همچون صنعت خودروسازی در واقع فریبی برای ایجاد انحصار و حذف رقیب از بازار بودند و تحت عنوان تولید، واردات انجام می‌شد. تردیدی نیست که صنایع مونتاژ و بخشی از صنعت داروسازی در ایران در واقع به نوعی شیوه واردات هستند. برای مثال صنعت داروسازی، مواد دارویی را وارد می‌کند و در ایران از آن‌ها قرص و کپسول تهیه می‌شود. بنابراین وابستگی صنایع داروسازی به واردات مواد دارویی کاملاً محرز است. واضح است که با این رویکرد، توسعه صنعتی ایران، روزی متوقف می‌شود و صناعی که با هدف رانت‌خواری به وجود آمده‌اند، هرگز رقابتی و صادراتی نخواهند شد.

از حوادث مهم قرن بیستم برای مردم ایران، انقلاب شکوهمند اسلامی است؛ انقلاب اسلامی با اهداف استقلال طلبانه همراه بود و با وجود اینکه

برای قطع وابستگی شعارهای بسیاری داده شد و به طور لفظی از رشد صنعت حمایت‌های بسیاری می‌شد، ولی در عمل اقدام مؤثری برای قطع وابستگی انجام نشد. اما با وجود همه شرایط نامناسبی که در ادامه به آن اشاره می‌شود، توانمندی فنی در ایران به تدریج افزایش یافت و اکنون، ایران دارای توانمندی فنی قابل توجهی است. شرایط نامناسب برای توسعه صنعت در ایران را می‌توان تحت چند عنوان دسته‌بندی کرد:

۱- مشکلات اداری

۲- مشکلات ناشی از سازمان‌های بیمه و مالیات

۳- مشکلات تأمین مالی

۴- تبعیض نابجا

که در اینجا فقط به تبعیض نابجا اشاره می‌شود.

حمایت‌های تعرفه‌ای از صنایع تولیدی، مصداق روشنی از حمایت‌های ناشیانه است؛ در حالی که باید حمایت‌ها از صنایع تولیدی هوشمندانه بوده و موجب افزایش بهره‌وری و خلاقیت در صنایع شود. ولیکن ده‌ها سال است که از صنایع مصرفی که عمدتاً با اهداف رانت خواری به وجود آمده‌اند و اغلب غیررقابتی و ناتوان هستند، با دادن تسهیلات بانکی و یا با ابزار تعرفه‌ای حمایت می‌شود و اقدام مفیدی برای بهبود کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید صورت نپذیرفته است. در مقابل از صنعت‌گرانی که قابلیت فنی چشم‌گیری دارند نه تنها حمایتی صورت نمی‌گیرد بلکه به نفع رقبای خارجی آن‌ها و علیه صنعت‌گران داخلی موضع‌گیری شده و تبعیضات ناروا علیه آن‌ها اعمال می‌شود. بدیهی است که صنعت‌گران داخلی باید دارای شرایط رقابتی

مناسب و یا حداقل مساوی با رقبای خارجی خود باشند و نباید به رقبای خارجی امتیازات بهتری داده شود. ولی در عمل از صنایع خارجی حمایت و استقبال بیشتری می شود و امتیازات بهتری به رقبای خارجی داده می شود. امتیازات رقبای خارجی عبارت اند از:

- رقبای خارجی مطالبات خود را به موقع دریافت می کنند؛ در حالی که مطالبات شرکت های ایرانی به موقع پرداخت نمی شود و گاه پرداخت مطالبات شرکت های ایرانی سال ها به درازا می کشد و چه بسیار شرکت های ایرانی که به همین خاطر ورشکسته شده اند. برای مثال شرکت های خودروسازی مطالبات قطعه سازان ایرانی را به موقع پرداخت نمی کنند ولی خریدهای خارجی خود را به طور نقدی انجام می دهند و یا اینکه دولت مطالبات شرکت های ایرانی را به موقع نمی پردازد، در حالی که مطالبات شرکت های خارجی را به موقع می پردازد.

- صنعت گران و فناوران ایرانی در بسیاری از موارد قربانی سیاست های حمایتی دولت می شوند. برای مثال وقتی که دولت، ارزهای ارزان تر را در اختیار صنایع متعارف قرار می دهد، این کار موجب می شود که صنعت، «مواد و قطعات و یا ماشین آلات» مورد نیاز خود را از خارج تأمین کند و بنابراین تولیدکنندگان قطعات و تولیدکنندگان مواد اولیه و تولیدکنندگان ماشین آلات در داخل کشور در موقعیت ضعف و نابودی قرار می گیرند.

- شرکت های خارجی در صورت صدور کالا، در کشور خود از مالیات معاف می شوند. از این رو کالاهای خارجی مزیت رقابتی بهتری نسبت به کالای ایرانی دارند؛ زیرا شرکت های ایرانی مکلف به پرداخت مالیات و بیمه هستند.